

مطالعه بایدها و نبایدهای آئین بودا در سرودی به زبان ختنی

سارا روحانی*

مهشید میرفخرایی**

چکیده

زبان ختنی در شمار زبان‌های ایرانی میانه شرقی جای می‌گیرد و در مقایسه با زبان‌های دیگر کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعه و بررسی متون ختنی در شناخت آداب و رسوم، فرهنگ و باورهای مردم سرزمین ختن کمک شایانی می‌کند و از این طریق می‌توان به مشترکات فرهنگی بیشتری میان فرهنگ ایران و هند باستان پی برد. در این راستا بررسی متون ختنی از جمله کتاب زَمَبَسْتَه که سرشار از تفسیرها و مفاهیم رایج آئین بودایی و شامل آموزه‌هایی از مکتب مهم این آئین یعنی مه‌ایانه است، ضروری می‌نماید. فصل دوازدهم این کتاب فصلی آموزه‌ای است و به سَمَوَر (= خویش‌داری اخلاقی) که اولین گام در راه رسیدن به رستگاری است، اختصاص دارد و به گناهانی اشاره می‌کند که سبب از بین رفتن سَمَوَر می‌شوند. این گناهان به دو گروه گناهان بزرگ و کوچک تقسیم می‌شوند که هر یک خود شامل گناهان متعددی است. دوری از این خطاها سبب می‌شود تا شخص شایستگی‌های خود را افزایش داده و به نیروانه نائل گردد که هدف و نتیجه این آموزش‌هاست. پژوهش حاضر به بررسی بایدها و نبایدهای آئین بودا بنابر فصل دوازدهم کتاب ختنی زَمَبَسْتَه پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های ایرانی میانه شرقی، زبان ختنی، کتاب زَمَبَسْتَه، آئین بودا، بایدها و نبایدهای آئین بودا.

* دانش‌آموخته دکتری، رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران، Sarah_rouhani@yahoo.com

** استاد، فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسول)، mahshidmirfakhraei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

۱. مقدمه

مطالعه زبان‌های ایرانی میانه مانند فارسی میانه، پارتی، خوارزمی، بلخی، سغدی و سکایی (ختنی و تمشقی) برای شناخت آداب و سنن، فرهنگ و باورهای مردم باستان ضروری است. از میان زبان‌های ایرانی میانه، زبان ختنی، جزو زبان‌های ایرانی میانه شرقی به شمار می‌آید (میرفخرایی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۷). مطالعه و بررسی زبان ختنی به دلیل ویژگی‌های زبانی و غنای فرهنگی و پیوستگی آن با آئین بودایی و زبان سنسکریت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای شناخت بهتر فرهنگ ایران باستان، بررسی علمی و تجزیه و تحلیل زبان‌ها و فرهنگ‌هایی که در طول تاریخ زبان و ادب فارسی از دوره باستان تا نو با آن‌ها پیوسته بوده نیز ضرورت دارد. همچنین از طریق مطالعه در زبان و فرهنگ ختنی، می‌توان به مشترکات فرهنگی بیشتری میان فرهنگ ایرانی و هند باستان پی برد (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱).

از جمله افرادی که متون ختنی را مطالعه و بررسی کرده‌اند می‌توان به هارولد بیلی (Bailey)، رونالد امریک (Emmerick)، درسدن (Dresden) و مجی (Maggi) اشاره کرد. بیلی کتابی را با نام Prolexis to the book of zambasta (pbz) در سال ۱۹۶۷ منتشر کرد، که مجموعه‌ای بسیار مختصر و شامل واژه‌های سنسکریت دخیل در ختنی است؛ همچنین واژه‌نامه ختنی را تحت عنوان Dictionary of Khotan saka (DKS) در سال ۱۹۷۹ تألیف نمود. امریک نیز جامع‌ترین دستور زبان ختنی را در سال ۱۹۶۸ با نام Saka Grammatical Studies تألیف نمود که شامل ماده‌های فعلی، ریشه‌شناسی، صرف فعل، اسم و صفت، شناسه‌های صرفی افعال، پایانه‌های صرفی اسم و صفت به همراه توضیحات ریشه‌شناسی است. وی در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۸ کتاب‌های A Guide to the Literature of Khotan و An Introduction to Khotanese را منتشر کرد. درسدن در سال ۱۹۷۷ کتاب Khotanese (Saka) Manuscripts: a Provisional Handlist را تألیف نمود. مجی نیز در سال ۲۰۰۸ کتاب khotanese literature را منتشر کرد.

مهم‌ترین پژوهشی که در ایران صورت گرفته، شامل کتاب «درآمدی بر زبان ختنی» از مهشید میرفخرایی است که در سال ۱۳۸۳ منتشر شده و شامل مقدمه‌ای درباره سرزمین ختن، اسناد و خویشاوندی زبانی و ... دستگاه خط و نظام آوایی، دستور، متن گزیده، برگردان فارسی، یادداشت‌ها و واژه‌نامه است. همچنین در سال ۱۳۸۸ کتاب «اصل خلاء یا تهیگی بنابر آموزه بودا» را که شامل متن، ترجمه و واژه‌نامه است، تألیف نموده و مقالاتی نیز

از کتاب زَمَبَسْتَه از فصل دهم با عنوان «قطعه شعری به زبان ختنی»، فصل بیستم با عنوان «رنج جهانی در آئین بودا، سرودی به زبان ختنی»، فصل سیزدهم با عنوان «گردونه های آئین بودا، سرودی به زبان ختنی» و در بررسی شباهت‌ها و اقتباس‌های فرهنگی نیز می‌توان به مقاله‌های «تمثیل پیل و خانه تاریک و خرد همه آگاه در شعری به زبان ختنی» سال ۱۳۸۴ و «گاهشماری دوازده حیوانی در متنی به زبان ختنی» سال ۱۳۸۷ از مهشید میرفخرایی چاپ شده است. با توجه به اینکه پژوهش در زمینه مطالعه متون ختنی همچنان ادامه دارد، ولیکن شمار تلاشگران در این حوزه اندک است و هنوز باید بر روی متن‌ها کار شود.

برای بررسی زبان ختنی، کتاب زَمَبَسْتَه، به عنوان منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم، منبع مورد اطمینانی است و به عنوان تصنیفی اصیل و بومی، در چندین فصل آموزه‌های مکتب مهاییانه بودایی را تفسیر می‌کند (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۸). فصل دوازدهم کتاب زَمَبَسْتَه به بایدها و نبایدهای آئین بودا اختصاص دارد و در این پژوهش به این مقوله پرداخته شده است.

۲. زبان ختنی

سرزمین ختن، معروف به قلب دوم آسیا، در قسمت شرقی آسیای میانه واقع شده و روزگاری یکی از مراکز مشهور و مهم آئین و فرهنگ بودایی بوده است. این سرزمین در بخش جنوبی جاده باستانی ابریشم قرار دارد و در گذشته بیشتر به سبب یشم سبز که محصول شاخص آن بوده، شهرت داشته است (میرفخرایی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳). پایه‌گذاری ختن در روایات مکتوب به پسر و وزیران اشوکه (Aśoka) نسبت داده شده است که به سده سوم پیش از میلاد باز می‌گردد (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۷-۸).

زبان سکایی، یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی محسوب می‌شود و دارای دو گویش تمشقی و ختنی است و از نظر زبانی و جغرافیایی، قرابت این دو گویش به نحوی است که می‌توان آن دو را گویش‌های مختلفی از یک زبان در نظر گرفت (Emmerick 2009:377). این زبان محدود به منطقه ختن نبوده و منطقه وسیع‌تری را از کاشغر به سوی شرق تا تمشق، واقع در شمال صحرای تاکلاماکان و از کاشغر تا ختن، واقع در جنوب این صحرا شامل می‌شده است (تفضلی ۱۳۷۸، ص ۳۶۵). گویشی را که در شمال بدان تکلم می‌شد گویش شمالی (تمشقی) و گویشی را که در جنوب رواج داشت، گویش جنوبی (ختنی)

نامیدند. از آنجایی که سکاییان در نوشته‌های خود واژه hvatana را به کار برده‌اند و بدلیل اینکه این متون در منطقه ختن کشف شده‌اند، بیلی (Bailey) نام «ختنی» یا «ختن-سکا» را برای آن برگزید (Emmerick 2008:198). در مورد رواج زبان ختنی در این منطقه نمی‌توان بطور دقیق قضاوت کرد. احتمالاً از نیمه دوم سده اول پیش از میلاد در ختن به این زبان تکلم می‌شده، ولیکن دوره رواج این زبان را باید از سده سوم میلادی به بعد دانست (Emmerick 2009:337). آثار به‌دست آمده از ختنی متعلق به سده چهارم تا اوایل سده پنجم میلادی هستند (میرفخرایی، ۱۳۹۳، ص ۵۳۳-۵۴۵). برخی متون ختنی دینی و برخی دیگر غیردینی هستند، که البته هر دو گروه تحت تأثیر آئین بوداست. همچنین نوشته‌های غیردینی شامل متون پزشکی، داستانی و بازرگانی می‌باشد (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۵).

۳. کتاب زَمَبَسْتَه

کتاب زَمَبَسْتَه منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم و منبع اصلی دانش ما از زبان ختنی به شمار می‌آید؛ همچنین شامل مجموعه‌ای عظیم از تفسیرها و مفاهیم رایج آئین بودایی است که جنبه‌های گوناگون دین بودا و آموزه‌هایی از مکتب مهم این آئین یعنی مهاییانه (Mahāyāna)^۱ را منعکس می‌کند. در این مجموعه هیچ عنوانی بر این اشعار دیده نمی‌شود، تنها از روی پایان نوشته‌های کتاب چنین برمی‌آید که شخصی به نام زَمَبَسْتَه (Zambasta) دستور تحریر آن را داده است و بدین دلیل بنابر پیشنهاد «بیلی» این نام برای این منظومه پیشنهاد و برگزیده شده است. از تعداد زیاد دستنویس‌های موجود از این متن، می‌توان به این نتیجه رسید که در سرزمین ختن از اهمیت و محبوبیت بسیار برخوردار بوده است (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۹۹؛ ۱۳۸۳، ص ۹۹-۱۰۰).

این منظومه شامل ۲۰۷ برگ و دارای ۴۰۰۰ بیت و احتمالاً بیست و پنج فصل بوده که اکنون بیست و چهار فصل آن موجود است. دو فصل نخست این مجموعه تفسیرهایی از سوتره‌هایی با محتوای افسانه‌ای است. فصل‌های ۳-۱۲ از فصل‌های آموزه‌ای این کتاب به شمار می‌رود و با فصول ۱۴-۲۱ مقارن هستند. فصل ۱۳ که فصل میانی محسوب می‌شود، امتیازات و برتری‌های مکتب مهاییانه را نسبت به مکتب هینه‌یانه بیان می‌کند. تاریخ تصنیف این اثر مشخص نیست ولیکن دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد زودتر از سده هفتم میلادی نبوده است. ختن جایگاه و پایگاه آئین بودایی و بویژه مکتب مهم آن، مهاییانه بوده و دانشمندان ختن بسیاری از آثار بودایی نوشته شده به زبان سنسکریت و پالی را به زبان خود

برمی‌گردانند و گاه تفسیرهایی بر آن‌ها می‌افزودند. برخی از فصل‌های کتاب زمبسته (۲ و ۸ و ...) برگردان و تفسیرهای متون بودایی است (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۹۹). امریک این مجموعه را در سال ۱۹۶۸ به انگلیسی ترجمه کرده است.

۴. فصل دوازدهم کتاب خنتی زمبسته

فصل دوازدهم این کتاب، قطعه شعری مشتمل بر ۱۳۴ بند است که ۱۲۲ بند آن محفوظ مانده و بندهای ۹۷ تا ۱۰۸ آن از میان رفته است. این فصل مشتمل بر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای آئین بودا است و فصلی آموزه‌ای محسوب می‌شود. بندهای نخستین این فصل به سَمورَ (Samvara)^۲ به معنای خویشتن‌داری اخلاقی یا متوقف ساختن تأثیرات گرمه‌ها یا اعمال پیشین انسان، اختصاص دارد، که نخستین گام و یکی از عالی‌ترین و ارجمندترین مراحل نیل به پرهیزگاری به شمار می‌آید و همانند نگهبانی است که ذهن و حواس آدمی را در تسلط خود دارد و پیوسته می‌کوشد تا هر آنچه را که پست و ناپسند است، از او دور سازد تا دستخوش حرص و آز، یأس و ناامیدی نشود و در جهت رسیدن به نیروانه (Nirvāna)^۳ آماده شود (Nyanatiloka 1988: 317-318). سَمورَ نخستین گام در راه نابودی گرمه‌های زیان‌بخش انباشته شده است. جهان یا سَنساره (Saṃsāra)^۴ مانند اقیانوس است و روح آدمی مانند قایقی است که برای عبور از اقیانوس و رسیدن به ساحل آزادی و رهایی تلاش می‌کند. سوراخ‌های قایق همچون ذرات گرمه‌ای است که در حال راه یافتن به روح شخص است. از این رو نخستین گام مسدود کردن راه نفوذ و جلوگیری از ورود آب به قایق است و این عمل همان سَمورَ است. رهایی و نجات تا زمانی که روح از اسارت این گرمه‌ها رها نشده، ممکن نیست. رهایی زمانی رخ خواهد داد، که نخست جریان گرمه‌های جدید متوقف شود و سپس با دور کردن گرمه‌های زیان‌بخش باقی مانده از طریق تلاش‌های آگاهانه، به رهایی و نجات رسید (Sanghvi 1974:320). همچنین انسان باید بر مجموعه‌ای از اعمال خود مانند اندیشیدن، سخن گفتن، مراقبت از تن خویش، حرکت کردن، صحبت کردن، خوردن، قرار دادن اشیاء و دفع دور ریختنی‌ها تسلط یابد و فضایل خوبی همانند بخشش، فروتنی، صراحت، قناعت، تسلط بر خود، توبه، چشم پوشی، عدم وابستگی و خویشتن‌داری را کسب کند و بر حقایق جهان مراقبه کند و صبور باشد و تلاش کند تا بطور مداوم در مسیر تمرینات معنوی خود باقی بماند (Bhatlacharya 1976:45-47). در

این مرحله فرد آموزش‌های لازم برای پذیرش سَمورَ را می‌بیند و آمادگی می‌یابد تا به آن متعهد شود و قانون‌های متعلق به آن را انجام دهد.

۵. بایدها و نبایدهای آئین بودا بنابر فصل دوازدهم کتاب زَمبَسته

در زبان ختنی āra- به معنای «گناه، خطا، تقصیر، عمل نادرست» است. این واژه از *arna- و از ریشه ar- به معنای «کردن، کار کردن» که در هندی باستان ā- از همین ریشه است و در زبان پهلوی arg «زحمت، کار» و در زبان سغدی rkh است (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). برای رسیدن به رهایی و نجات ابتدا باید از گناه دوری کرد و از این رو آموزگار مجموعه‌ای از گناهان را به شخص متعهد به سَمورَ متذکر می‌شود، که ارتکاب به آن‌ها سبب از دست دادن تمام خوبی‌ها و شایستگی‌ها می‌شود. در بیت‌های (۴۰-۴۹) آموزگار به چهار گناه بزرگ اشاره دارد که عبارتند از: ۱- تحقیر کردن دیگران؛ ۲- حریص و طماع بودن؛ ۳- خشم بسیار و پوزش نخواستن؛ ۴- تحقیر و بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه. کسی که سَمورَ را از دست می‌دهد، درست به مانند کسی است که سر انسانی را قطع می‌کند. در بیت‌های (۵۰-۵۲) شخص نیت می‌کند از هرگونه بدی و گناه دوری کند و می‌کوشد تا از کسانی که پیش از او این عهد را پذیرفته‌اند، پیروی نماید. در بیت‌های (۵۳-۱۳۲) خطاها و گناهان کوچک‌تر ذکر می‌شوند. در دو بیت پایانی (۱۳۳-۱۳۴) اعلام می‌شود که، فرد متعهد باید همواره در تلاش باشد تا سَمورَ را حفظ کند و بر تعهد خود باقی بماند (Emmerick, 1968: 165). در این پژوهش ابتدا به گناهان بزرگ و سپس به گناهان کوچک اشاره می‌شود؛ لازم به یادآوری است به سبب از بین رفتن بندهای ۹۷-۱۰۸ برخی گناهان کوچک ذکر نشده و به دلیل تشابه در عنوان برخی گناهان که در متن ذکر شده، این گناهان با هم و در یک مجموعه آورده شده‌اند؛ توضیحات نیز در پی‌نوشت ذکر شده است. این پژوهش به بررسی بایدها و نبایدهای این فصل پرداخته است، که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱.۵ گناهان بزرگ

چهار گناه بزرگ که ارتکاب به آن‌ها سبب می‌شود تا سَمورَ و تمام نیکی‌هایی که فرد متعهد کسب کرده، از دست بدهد و تنزل مقام یابد و از همه خوبی‌ها محروم شود عبارتند از: ۱-

مطالعهٔ بایدها و نبایدهای آئین بودا در سرودی به زبان ختنی ۸۵

تحقیر کردن؛ ۲-حریص بودن؛ ۳-خشم شدید؛ ۴-بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه. آموزگار از رهرو می‌خواهد تا از این چهار عمل ناشایست دوری کند تا سَموَر را از دست ندهد (Emmerick, 1968: 170-171).

۱.۱.۵ تحقیر کردن

41 ka hāvā pajsamā kādāna ḥandara nyaste
uysānye buljāte ṣā paḍā pathamka

اگر کسی بخاطر منفعت و احترام، دیگران را تحقیر کند [اما] به خود احترام کند، این نخستین خویشتن‌داری است.

اگر شخصی به خاطر منافع شخصی، دیگران را تحقیر و به آنها بی‌احترامی کند خطا کرده و این نخستین خطای بزرگی است که شخص متعهد به سَموَر باید از آن دوری کند (Emmerick, 1968: 170-171).

۲.۱.۵ حریص بودن

42 śātu hīsu yande ttatatu vīro dātu
kvī aśtā hāysdā cai pajāttā ne heḍā

دوم، [اگر] کسی نسبت به دارایی [یا] دربارهٔ قانون^۹ حریص باشد [و] به کسی که از او چیزی می‌خواهد ندهد، حتی اگر برای او آماده باشد.

اگر کسی چیزی را که می‌تواند و قادر است به دیگری بدهد و بدین وسیله به او کمک کند، به دلیل حرص و طمع از او دریغ کند، مرتکب دومین گناه بزرگ شده است (Emmerick, 1968: 170-171).

۳.۱.۵ خشم شدید

43 ysīro ysurru yande ku-ṃ jsa ḥamḍaru mīndā.
dukhevāte u ne ne kṣa-mātā auysde ṣā dada

[اگر] خشم شدید گیرد و از این طریق دیگری را آسیب رساند و ناشاد سازد و از او بخشش (=پوزش) نخواهد [بلکه] برافروخته شود، این سومین گناه است.

اگر شخص از روی خشم و عصبانیت به دیگران صدمه و آسیب برساند و عفو و پوزش نخواهد، سومین خطای بزرگ را مرتکب شده است (Emmerick, 1968: 170-171).

۴.۱.۵ بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه

44 kye mahāyānu dātu nyaste ne ysūṣḍe
nei hvate śtā balysi apramānvī yande

45 ṣāte tēūramā dharmā tcamna hāmāte paramjsā
biśśāṇe śśārateto jsa balysūṣṭe jsa nyauṣṭā

کسی که قانون مه‌ایانه را خوار شمرد و برای آن ارزش قائل نشود و آن را بی‌اعتبار سازد و [بگوید]: «بودا آن را اعلام نکرده است»، این چهارمین گناه است که با آن شخص از درمه (dharma) بر می‌گردد و از همه خوبی‌ها و بودی (=آگاهی، بیداری) محروم می‌شود. چهارمین گناه بزرگ بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه است. اگر کسی به قانون و آئین مه‌ایانه احترام نگذارد، آن را تحقیر کند و آن را بی‌ارزش بداند، از همه خوبی‌ها و آگاهی‌ها دور خواهد شد و در نتیجه مرتکب گناه بزرگی شده است (Emmerick, 1968: 170-171).

۲.۵ گناهان کوچک

گناهان کوچکی که در این فصل به آن‌ها اشاره شده عبارتند از: ۱- خشم و غرور؛ ۲- حسادت؛ ۳- بی‌توجهی و نادیده گرفتن دیگران؛ ۴- دوری نکردن از گناه؛ ۵- پوزش نخواستن و عذر دیگران را نپذیرفتن؛ ۶- توهین و بدزبانی؛ ۷- ناسپاسی؛ ۸- ثروت‌اندوزی؛ ۹- بی‌احترامی؛ ۱۰- تنبلی؛ ۱۱- پرحرفی؛ ۱۲- طلب نی‌وَرَنَه (nivarana)؛ ۱۳- پرسش نکردن درباره آموزش‌ها؛ ۱۴- به خدمت گرفتن دیگران؛ ۱۵- نیت‌بد؛ ۱۶- دروغ و حيله؛ ۱۷- تمسخر کردن و پریشان کردن دیگران (Emmerick, 1968: 172-185).

۱.۲.۵ خشم و غرور

61 cī nāmandraindā. u ysurre jsa hā ne jsāte
o ṣkālsu yīndā ārru byehātā tīyā
62 atā ttaudu bulysu u agapīnai heḍā.

o yā pandāya pva'ṇā ttīyā anārrā

هنگامی که از او دعوت کنند و از روی خشم نرود، یا مغرور باشد، پس مرتکب خطا می‌شود. [اگر] هوا بسیار گرم است، راه طولانی است، و شخص ناپاکی هدیه‌ای آماده می‌سازد، یا خطری برایش در راه است، بدین ترتیب او بی‌گناه است.

67 ka bodhisatvā. ośa-taraṇa uysno-

ra ysurre jsa naṣkaljā-te o mānāna nyaste

68 ārragāḍā hāmāte ka ttāna hārna pathīstā

baśdye jsa īstā ttīyā vātcu anārrā

اگر بودی‌ستوه (bodhi-sattva)^۹ به سبب خشم، بدکاران را دور کند یا از روی غرور آن‌ها را تحقیر کند، گناهکار است. اگر از این کار خودداری کند و از گناه باز گردد، بدین ترتیب او بی‌گناه می‌شود.

85 ka bodhisatvā ysurregyā āste hamraṣṭo

handarye vaska. śā *ārragāḍā hamraṣṭu

اگر بودی‌ستوه پیوسته نسبت به دیگری خشمگین باشد، او همواره گناهکار است.

110 ka bodhisatvā . aśtā ūvāśa tterā

u hā ne jsāte ku ye dātu pyṣde śśāru

111 vīrāna ysurre jsa o ṣkālśu yīndi ttāna

ārī anārrā kuī māstarā hāvā vāte

اگر بودی‌ستوه چنین فرصتی دارد و به جایی که شخص قانون خوب را می‌شنود، نرود، از روی دشمنی و [یا] خشم، یا اگر بسیار مغرور باشد، بدین سبب مرتکب خطا شده است. [اما] اگر سود خودش (از نرفتن) بیشتر بود، بی‌گناه است.

126 ka śśārye hālai satvānu nvaṃde

ne-ṃ nā yīndā ysurre jsa ārru byehāte ttīyā

اگر از روی خشم با آرزوهای موجودات از جهت خوب موافق نباشد، در این صورت مرتکب خطا شده است.

اگر بودی ستوه به سبب خشم و غروری که دارد، به جایی که دعوت شده نرود؛ بدکاران را تحقیر کند؛ نسبت به دیگران پیوسته عصبانی و خشمگین باشد؛ قانون و آئین بودا را به کسانی که طالب شنیدن آن هستند اعلام نکند و با آرزوهای دیگران مخالفت کند مرتکب خطا شده، ولیکن اگر توبه نماید و یا اگر انجام این کارها به سود او نباشد و خطری برای او بوجود آورد، بدین ترتیب او بی‌گناه است (Emmerick, 1968: 172-185).

۲.۲.۵ حسادت

127 ṣṣahāne pyūmjāte tte ce pharu ṣṣahāne
arete jsa ysurre jsa ārru byehāte ttīyā

اگر از روی حسادت [یا] خشم ارزش‌های فردی را که ارزش‌های بسیار دارد انکار کند، پس مرتکب خطا شده است. (Emmerick, 1968: 172-185).

۳.۲.۵ بی‌توجهی و نادیده گرفتن دیگران

94 ku bodhisatvä jāna väte bairā kādā
satva paśśāte u jāna vātā ramāte samu.
95 ārrī māstā. ku-m jsa nīvara(ṇa) puṣṣo
dremāte paṇṇisa nai ju vara ārru kari

اگر بودی ستوه بسیار به مراقبه‌ها وابسته شود به طوری که از موجودات غفلت کند، و تنها از مراقبه‌ها لذت برد، مرتکب خطای بزرگ شده است. اگر از طریق آنها پنج نی‌ورته را کاملاً براند، در این مورد اصلاً گناهی ندارد.

114 ku bodhisatvä anandīśśāte hvā'ndāna
puṣṣo kye ju puṇa yande ni ggītte śśārku kāḍe
115 kho bodhisatvä . ggīhāñu hvam'dā puṇa .
ārru anārru kuī handari ggītte hve'

زمانی که بودی ستوه‌ای نسبت به فردی که نیکی‌ها را کسب می‌کند کاملاً بی‌تفاوت باشد و خیلی خوب به او کمک نکند، [چون] بودی ستوه باید با توجه به شایستگی‌های فرد به وی کمک کند، پس این خطا است. [ولی] اگر فرد دیگری به او کمک کند، خطا نیست.

116 ka bodhisatvä āchānau paśśātā puṣṣo

u nai haṃdāḍe āragāḍā hāmāte kāḍe.

117 anārrā ttīyā ahotanā hamatā vāte

o yā yanīndā vaṭhānu handara śśārā

اگر بودی ستوه فرد بیماری را کاملاً نادیده بگیرد و به او توجهی نکند، بسیار گناهکار است. او بی گناه است، اگر او خود ناتوان باشد، یا اگر دیگران به او (= بیمار) خدمت خوب کنند.

122 ka bodhisatvä kāṣcānye hvā'ndā puña

kāṣco ne jāndā sañā-na āragāḍā hamate

123 anārrā ttīyā kai ne jātu yīndā puṣṣo

harbiśśo mato yande kho sūttārna samāte

اگر بودستوه‌ای با تدبیر نگرانی را از فردی که در مورد تقوایش نگران است، برطرف نکند او گناهکار است. اگر نتواند کاملاً آن را رفع کند، [به شرطی که] هر اندیشه‌ای را با سوتره هماهنگ سازد، پس او بی گناه است.

با توجه به آنچه در بندهای بالا ذکر شد، از یک سو بودی ستوه باید خود همواره در حال مراقبه باشد و به ارتقای خود فکر کند و از سوی دیگر نباید نسبت به دیگران بویژه افراد بیمار، غمگین و رنجیده و کسانی که مراتب کمال را طی می‌کنند و نگران تقوای خود هستند غافل شود و همچنین باید گناهکاران را راهنمایی کند تا باعث نجات آنها شود. این بندها دقیقاً به آئین مهاییانه اشاره دارد که بودی ستوه باید هم برای نجات خود و هم برای نجات دیگران تلاش کند (Emmerick, 1968: 172-185).

۴.۲.۵ دوری نکردن از گناه

118 ka bodhisatvä ne pathaṃjāte ośa-taraṇa

auśāna hārāna uysnaura ārrī kāḍā

119 ku vātco īyā kye ni pathaṃjīyā handarā

o ku ne nāsāre nai ju ārrā varā

اگر بودی ستوه بدکاران را از انجام کارهای بد باز ندارد، مرتکب خطایی بزرگ شده است. اگر بازهم دیگری باشد که آنها را از این کارها بازدارد، یا اگر آنها او را نپذیرند، در این صورت مرتکب هیچ خطایی نشده است.

128 ce nṛhīśśāñña . ce vātcā daṃḍā tceṛā
 ne nā nṛhīśśīye u nā nā daṃḍu yañīyā
 129 ārratāḍā hāmāte tīyā vātcu anārrā
 ku nā nṛhīśśīyā pathaṃjīyā nā vātco

اگر او (=بودی ستوه) کسانی را باز ندارد یا تنبیه نکند که باید بازداشتی شوند [یا] سپس باید تنبیه شوند، خطاکار است. پس اگر آنها را باز دارد [و] سپس مانع آنها شود، بنابراین بی گناه است.

130 ka bodhisatvā . riddhā vātā hota vāta
 pva'ñāna īsāre ne añña trāstā hāmāte .
 132 riddhā ne yande ārragāḍā hāmāte kā-
 ḍe tīyā anārrā ku ne ne yuḍu yande samu

اگر بودی ستوه قدرت کارهای شگفت‌انگیز را داشته باشد اما [بیاندیشد]: «دیندار از آنها می‌هراسد»، و آنها را به کسانی که ایمان باید در آنها انگیزه شود نشان ندهد، به آنها می‌دهد که باید بازداشتی شوند، به آنها می‌دهد، از سوی دیگر، به سبب ترس [از دین] باز می‌گردند، [اگر برای کسی که] در غیر این صورت نتواند نجات یابد، کارهای شگفت‌انگیز را انجام ندهد، بسیار گناهکار است. پس در صورتی بی‌گناه است که تنها نتواند این کارها را انجام دهد.

بودی ستوه موظف است که مردم را از گناهان و اعمال بد برحذر دارد و اگر شخصی مرتکب خطا شد او را تنبیه کند. همچنین اگر دارای نیروی شگفت‌انگیز است که با آن می‌تواند مانع خطای دیگران شود و یا ایمان را در آنها برانگیزاند، باید این کار را انجام دهد، زیرا ممکن است بر اثر این نیرو و توانایی برخی نجات یابند. اما در صورتی که نتواند این کارها را انجام دهد و یا شخص دیگری باشد که وظیفه او را انجام دهد و یا اگر او را برای این امر نپذیرند او مرتکب هیچ خطایی نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

۵.۲.۵ پوزش نحواستن و عذر دیگران را نپذیرفتن

82 ku bodhisatvā ttu butte tte tta saittā.

aysvī auṣṭaimā kṣamevāñī vātcu

83 nai kṣamevīyā ārru byehātā ttīyā

Samu anāvattā kuī jsa ttārtha khijīndā

اگر بودی ستوه این را درک کند: «به نظرش اینگونه می‌رسد: او را به خشم آوردم»، پس باید پوزش بخواهد. اگر پوزش نخواهد، پس خطا کار است. بدین ترتیب تنها زمانی بی‌گناه است که مرتدان توسط او مغلوب شوند.

84 kye bodhisatvu kṣamevīndā uysnora

ārratāḍā hāmāte cītā ne nāste kṣamovu.

اگر موجودات از بودی ستوه پوزش بخواهند، اگر پوزش آن‌ها را نپذیرد، گناهکار است. اگر بودی ستوه مرتکب اشتباه شود باید از دیگران عذرخواهی کند، ولی اگر سبب شکست مرتدان شود، نیازی به عذرخواهی نیست و بی‌گناه است. همچنین اگر دیگران به سبب خطایی که انجام داده‌اند، از او عذرخواهی کنند او باید پوزش آن‌ها را بپذیرد و در صورتی که پوزش آنان را قبول نکند، گناهکار خواهد بود (Emmerick, 1968: 172-185).

۶.۲.۵ توهین و بد زبانی

81 cī bodhisatvā kāse yīndi uysnorā.

ārragāḍā hāmāte cīyā lāstanu yīndā.

اگر کسی به بودی ستوه بدزبانی کند، نزاع کند او گناهکار است.

112 ka bodhisatvā. haysānandai ṣṭānu handa-

ru ṣṭakulce yande dāta-hvāñandu hamatā

113 ārrī māstā a-nārrā ttīyā samu.

dyaurai vātā ttīyā ṣṭakule yande haṃḍaru

اگر بودی‌ستوه‌ای آگاهانه به دیگری توهین کند که او خود اعلام‌کننده قانون است، او مرتکب گناه بزرگی شده است. بنابراین فقط هنگامی بی‌گناه است که، به سبب بیمار بودن، به دیگران توهین می‌کند.

با توجه به بندهای ذکر شده، بودی‌ستوه هرگز نباید به دیگران توهین کند و یا نسبت به آن‌ها بد زبان باشد. ولیکن اگر به دلیل بیماری نسبت به دیگران توهین و بدزبانی کند، برای او گناه محسوب نمی‌شود (Emmerick, 1968: 172-185).

۷.۲.۵ ناسپاسی

120 ka bodhisatvä atārañī yīndā tṭye
 ce bodhisatvä paḍā śśāra vīri vāta
 121 ārrī [t]t[ī]y[ā] . anārrā sañina ttāte
 pathīyu yīndi hāryau dīryau jsa puṣṣo

اگر بودی‌ستوه نسبت به کسی که پیش از این نسبت به بودی‌ستوه مهربان بوده است، ناسپاس باشد، پس خطاکار است. [اما] بی‌گناه است اگر با تدبیر بتواند آن‌ها را کاملاً از انجام اعمال بد باز دارد.

ناسپاس بودن نسبت به دیگران عمل ناشایستی به شمار می‌رود، بویژه اینکه این ناسپاسی نسبت به شخصی صورت بگیرد که پیش‌تر با بودی‌ستوه مهربان بوده است. اگر بودی‌ستوه بتواند این عمل ناشایست را از خود دور سازد و توبه نماید و سپاسگزار شخصی که به او مهربانی و لطف کرده، باشد، در این صورت مرتکب خطا نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

۸.۲.۵ ثروت‌اندوزی

57 kye pharu āīmāte kāḍe ttagatu u bastā
 varātā aysmūna asaṃduṣṭā bihīyu
 58 ārragāḍā hāmāte ka satvānu pracaina
 āyīmāte mulśde jsa ttāna hārna anārrā

کسی که به ثروت تمایل بسیار دارد و در اندیشه به آن بسته است، بسیار ناخرسند است، او گناهکار است. اگر به خاطر موجودات، از روی مهربانی، خواستار آن است، بدین سبب بی‌گناه است.

اگر شخصی ثروت و مال جمع کند که با آن به دیگران کمک و یاری رساند و مشکلات آن‌ها را برطرف کند، در این صورت او گناهی مرتکب نشده، اما اگر این ثروت و دارایی را فقط برای خود بخواند و نسبت به آن حریص باشد بدین ترتیب مرتکب خطای بزرگی شده است (Emmerick, 1968: 172-185).

۹.۲.۵ بی‌احترامی

59 ka hvāṣṭā daiyā. bodhisatvu balondu
nai pajsamu yīndā ārru byehāte māstu
60 o dātu pyūṣḍe o jāyāte āṇā
o ku vā hūṣṭā. ttīyā vātcu anārrā.

اگر او بودی‌ستوه برتر و نیرومندی را ببیند، [اما] به او احترام نکند، دچار خطای بزرگی می‌شود. [اگر] او به قانون گوش می‌دهد یا در حال مراقبه است، یا [اگر] از سوی دیگر، می‌خواهد، پس همچنین بی‌گناه است.

اگر بودی‌ستوه بلند مرتبه‌ای را ببیند و به او احترام نکند مرتکب خطا شده، ولی اگر در حال مراقبه و یا خواب باشد، خطایی برای او محسوب نمی‌شود (Emmerick, 1968: 172-185).

۱۰.۲.۵ تنبلی

88 ka bodhisatvā dīḍete rraṣu hāmāte abāḍā
hūṣṭā ārragāḍā hāmā-te ku āchānai anārrā

اگر بودی‌ستوه زیر تسلط کاهلی باشد [و] بی‌موقع بخوابد، گناهکار است. اما اگر بیمار باشد، بی‌گناه است.

بودی‌ستوه‌ای که همواره بخوابد و فعالیت‌های روزانه خود را انجام ندهد، مرتکب عملی ناشایست شده، اما اگر او به سبب بیماری استراحت کند، برای او خطایی به شمار نمی‌رود (Emmerick, 1968: 172-185).

۱۱.۲.۵ پرحرفی

89 saṃganye yande bodhisatvā haphāre
āragāḍā hāmāte dātā pulstā anārrā

اگر بودی‌ستوه به گردهم‌آیی رود و پرحرفی کند، گناهکار است، [اما اگر] درباره قانون پرس و جو کند، بی‌گناه است.

پرحرفی و پرگویی از اعمال ناشایست محسوب می‌شود، ولی اگر بودی‌ستوه درباره قانون و آئین بودا تحقیق کند در این صورت او مرتکب عمل ناشایستی نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

۱۲.۲.۵ طلب نی‌ورته

92 ka bodhisatvā āstanna brīye kāḍe
paṃjsa nṛhīyāndā nīvaraṇa ośa aysmū
93 u hā nāhvarrde āragāḍā hāmāte
kāḍe anārrā ttī-yi kuī tta matā jyāre puṣṣu

اگر پنج نی‌ورته بد که با عشق آغاز می‌شود، بر اندیشه بودی‌ستوه کاملاً غالب شوند، و او خواهان آن‌ها باشد، بسیار خطا کار است. پس بسیار بی‌گناه است زمانی که اندیشه‌اش چنین باشد: «آن‌ها کاملاً ناپدید می‌شوند».

پنج حجاب یا پنج مانع سبب تیره شدن دل و مانعی برای شناخت حقیقت هستند. حال اگر بودی‌ستوه همواره در تلاش باشد که خود را از این پنج مانع دور دارد، بدین ترتیب او گناهی مرتکب نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

۱۳.۲.۵ پرسش نکردن درباره آموزش‌ها

90 ka bodhisatvā ūvāyā bādā vāte
ne pulstā yoggu āratāḍā hāmāte kāḍe.
91 anārrā ttīyā kai ne hvāñākā vātā.
sūtrāṇa vātcu asamā nājsā'kā vāte

مطالعهٔ بایدها و نبایدهای آئین بودا در سرودی به زبان ختنی ۹۵

اگر بودی ستوه در زمان آموزش درباره تمرین و آموزش نپرسد، بسیار گناهکار است. پس اگر او آموزگاری نداشته است، بی گناه است [یا] دوباره، اگر دستورالعمل مطابق سوتره نبود.

اگر بودی ستوه در زمان آموزش پرسش‌های خود را از آموزگار نپرسد، خطا کرده است. اما اگر او آموزگاری نداشته باشد که آموزش‌ها را از او بیاموزد، در این صورت بی گناه است (Emmerick, 1968: 172-185).

۱۴.۲.۵ به خدمت گرفتن دیگران

86 ka bodhisatvā parṣo nāste pharāko
vaṭhānu kāḍānā ne nyūjāmate kāḍāna
87 ārragāḍā hāmāte ku tṭye kīrā nā nāste
kau va parsāru dukhyau ttīyā anārrā.

اگر بودی ستوه همراهان بسیاری را برای خدمت، و نه برای آموزش، بپذیرد، او گناهکار است. اما اگر او خدمت آن‌ها را نپذیرد [و بیاندهد]: «باشد که آنان از اندوه نجات یابند!»، پس او بی گناه است (Emmerick, 1968: 172-185).

بودی ستوه نباید افرادی را به خدمت گیرد، حال اگر فکر و اندیشه او کمک و یا قصدش آموزش و نجات آن‌ها باشد، گناهی مرتکب نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

۱۵.۲.۵ نیت بد

65 cai ājīṣāte dātu u nei hvāñāte dātu.
ysurre jsa o hīsañi dīḍete ku butte
66 ārragāḍā hāmāte ttā marā parṣo haṃḡrīya
cai ne nāsāre. kū ne butte anārrā

اگر کسی از او درباره قانون بپرسد، گر چه می‌داند، اما از روی خشم، آز و نیت بد قانون را بدو اعلام نکند، خطا کار است. اگر بودی ستوه‌هایی که اینجا در انجمن گرد هم می‌آیند او را نپذیرند، [یا] اگر او این را نداند، بی گناه است.

یکی از وظایف بودی‌ستوه‌ها آگاه کردن مردم از آئین بوداست، اگر او به سبب بدنیتی از آگاه کردن دیگران امتناع کند و آئین و قانون بودا را آموزش ندهد، مرتکب خطا شده و گناهکار است. ولی اگر مردم او را به عنوان شخصی که باید قانون را اعلام کند نپذیرند، در این شرایط او بی‌گناه است (Emmerick, 1968: 172-185).

۱۶.۲.۵ دروغ و حيله

73 ka vā kuhe yande bodhisatvā vicittre.
nimitta hvāñāte ggūnā cira yīndā
74 ttāna hārna kau mā pajsamā āyau hāvi
ārragāḍā hāmāte mächhā-jīviyo jūtā.

اگر از سوی دیگر، بودی‌ستوه حيله‌های گوناگونی بکار بندد، از نشانه‌ها سخن بگوید، نشانه‌های کوچک را بدین دلیل آشکار سازد که: «بادا که احترام و دعای خیر شما را داشته باشم»، گناهکار است، و زندگی دروغینی را خواهد زیست. اگر بودی‌ستوه با مکر و حيله خود را خوب نشان دهد تا در بین مردم محترم باشد، خطا کرده و گناهکار است (Emmerick, 1968: 172-185).

۱۷.۲.۵ تمسخر کردن و پریشان کردن دیگران

75 ka bodhisatvā ā- yīdetu nājsaṣḍe.
naṣkhamttā jaṃphāte uskūṣḍā apracā
76 ārragāḍā hāmāte ka khīrājsa uysnaura
bitanda yīndā ttīyā vātco anārrā

اگر بودی‌ستوه شادی کند، بخندد، بحث و جدل کند، بی‌سبب تمسخر کند، گناهکار است. اگر موجودات را نگران و پریشان سازد، باز هم گناهکار است (Emmerick, 1968: 172-185).

۶. نتیجه گیری

زبان ختنی (سکایی)، جزو زبان‌های ایرانی میانه شرقی به شمار می‌آید و دارای دو گویش ختنی و تمشقی است. مطالعه و بررسی زبان ختنی به دلیل ویژگی‌های زبانی و غنای فرهنگی و پیوستگی آن با آئین بودایی و زبان سنسکریت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ همچنین می‌توان به مشترکات فرهنگی بیشتری میان فرهنگ ایران و هند باستان پی برد. برای بررسی زبان ختنی، کتاب *زَمَبَسْتَه*، به عنوان منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم، منبع مورد اطمینانی است و به عنوان تصنیفی اصیل و بومی، در چندین فصل آموزه‌های مکتب مهاییانه بودایی را تفسیر می‌کند. فصل دوازدهم این کتاب مشتمل بر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای آئین بودا است و فصلی آموزه‌ای محسوب می‌شود. بندهای نخستین این فصل به *سَمورَ* به معنای خویشتن‌داری اخلاقی یا متوقف ساختن اعمال پیشین انسان برای رسیدن به مقام بودی‌ستوه اختصاص دارد که یکی از عالی‌ترین و ارجمندترین مراحل نیل به پرهیزگاری به شمار می‌آید و همانند نگهبانی است که ذهن و حواس آدمی را در تسلط خود دارد و پیوسته می‌کوشد تا هر آنچه را که پست و ناپسند است از او دور سازد تا دستخوش حرص و آز، یأس و ناامیدی نشود و در جهت رسیدن به نیروانه آماده گردد. در حقیقت خویشتن‌داری یا *سَمورَ* راه دوری از گناه است. در فصل دوازدهم کتاب ختنی *زَمَبَسْتَه* آموزگار شخص را از گناهانی آگاه می‌سازد که ارتکاب به آنها سبب از دست دادن *سَمورَ* و تمام خوبی‌ها و فضایل اخلاقی می‌شود. این گناهان به دو گروه اصلی گناهان بزرگ و گناهان کوچک تقسیم می‌شوند که هر کدام شامل گناهان متعددی است. همه گناهانی که در متن ذکر شد، همگی خطاهایی هستند که بودی‌ستوه باید از آنها دوری کند، تا بتواند *سَمورَ* را حفظ نماید و در نهایت به ساحل رهایی که همان نیروانه است نائل گردد و خود را از گردونه بازپیدایی یا سنساره برهاند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در منابع بودایی، همه جا، از دو فرقه یا مکتب بزرگ و اصلی نام برده می‌شود که شامل مهاییانه (Mahāyāna) و هی‌نایانه (hīnā-yāna) یا تروادا (theravādā) است. مهاییانه مرکب از دو بخش mahā- به معنای «بزرگ» و yāna به معنای «گردونه» است که روی هم به معنای «گردونه یا چرخ بزرگ» است. در آئین بودا «گردونه» راه رسیدن به آگاهی و گریز از تسلسل و باز پیدایی است. هی‌نایانه نیز مرکب از دو بخش hīnā- به معنای «کوچک، مردود، حقیر» و yāna است که روی

هم به معنای «گردونه یا چرخ کوچک» است. این عنوان را مکتب مهاییانه برای مکتب هی‌نایانه یا تروادا متداول کرده است، زیرا آن را از نظر تعلیمات در مرحله پایین‌تری از خود تصور می‌کند. به گردونه کوچک، گردونه شنوندگان یا شاگردان (śrāvaka.yāna-) نیز می‌گویند. شنوندگان تنها شامل آنانی می‌شود که «قانون را از زبان بودا شنیده‌اند». پس باید مکتب هی‌نایانه یا تروادا قدیمی‌تر و اصیل‌تر از مهاییانه باشد (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ۹۵؛ mw.1899,p.1296,col.2,p.849,col.3).

۲. سَمَوَر (Saṃvara) مرکب از پیشوند sam- و ریشه vṛi- به معنای «پوشیدن و پنهان کردن» است (Monier-Williams 1899.1116,col.1;1007,col.1).

۳. نیروانه (Nirvāna) مرکب از پیشوند nir- به معنای «فرو و پایین» و ریشه vā- به معنای «وزیدن» و اصطلاحاً به معنای «انقطاع و خاموشی پدیده‌ها و سکوت محض» است. نیروانه هدف نهایی آموزش‌های بودایی است و مستلزم آن است که جوینده حق نخست به واقعیت حق بیدار شده باشد، مانند خود بودا که زیر درخت روشنایی ناگهان به واقعیت مطلق رسید (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰).

۴. سنساره (Saṃsāra) از sam- به معنای «هم» و sāra- از ریشه sṛ- به معنای «جریان داشتن» است و در مجموع به معنای «بهم رفتن» است که اصطلاحاً در مفهوم پیدایش‌های پی در پی و جریان پیوسته زندگی در دگرگونی‌های مختلف است. نشانه این جریان مستمر زاده شدن، پیر شدن، رنج بردن و مردن است. بودا اساس و شالوده جهان را با واقعیت و عدم واقعیت می‌سنجید و این دو از جهتی دو رکن اصلی آیین بودا را تشکیل می‌دهند. عدم واقعیت یعنی هستی ناپایدار، تسلسل اشیای گذرنده، پیدایش‌های پی در پی، زایش و جریان پیوسته ایجاد (سنساره) و واقعیت یعنی خاموشی و پایان یافتن از تسلسل و گریز از دریای باز پیدایی، یعنی نیروانه است (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ پاشایی، ۱۳۸۹، ص ۵۴-۵۵).

۵. منظور از قانون بودا همان آئین مهاییانه است (← پی‌نوشت شماره ۱).

۶. درمه (dharma) واژه سنسکریت و اسم مذکر به معنای «عنصر، پدیده، قانون (= آئین بودا)» است. این واژه در آئین بودا بسیار بکار رفته اما پیش از پیدایش این آیین نیز کاربرد داشته است. درمه از ریشه dhṛ- به معنای «داشتن، نگاه داشتن، بردن» است. در دوران وداها به شکل درمن (dharman) و به معنای «نگاهدار، دارنده و قانون» بکار رفته و سپس معانی «سرشت هر چیز، عنصر، پدیده، قانون، آئین و دین» را نیز پذیرفته است. در این آئین، جهان و هرچه در آن هست به گونه‌ای با یکی از مفاهیم درمه وابستگی دارد، تا آنجا که بوداییان، آئین خود را درمه می‌نامند (میرفخرایی، ۱۳۸۸، ۶۲-۶۳؛ mw.1899,p.510,col.3).

۷. بودهی از \sqrt{budh} : «بیدار شدن، دریافتن»، به معنای «بیداری، روشن‌شدگی، برترین شناخت» است. که گوتمه شاکيامونی (gautama śākyamuni) با کشف آن به بیداری نائل گشت (پاشایی، ۱۳۵۷،

۱۶۱). روشن شدگی بودا را sammā-sambodhi یا روشن شدگی کامل یا بیداری کامل می‌نامند. از بودی یا روشن شدگی سه دسته‌بندی در دست است: ۱. روشن شدگی شاگرد شریف (sāvaka-bodhi)، که اینجا منظور از sāvaka در واقع همان آرَهت است. ۲. روشن شدگی روشنی یافته (= بودا) تکرو یا مستقل (pacceka-bodhi) ۳. روشن شدگی روشنی یافته کامل (sammā-sambodhi) (پاشایی ۱۳۸۹، ۵۴۷-۵۴۸).

۸. پنج مانع یا پنج حجاب (nivarana) دل را تیره و بینش را پوشیده می‌دارند دلی که این پنج مانع در آن هست به نزدیکی یکدلی هم نمی‌رسد و برای او شناخت حقیقت محال است. رهرو در نظاره درمه‌ها نخست به نظاره پنج مانع دل رو می‌آورد. آنگاه که در او آرزوی رسیدن به کام (kāmacchanda)، بدخواهی (vyāpāda)، تنبلی و افسردگی (thīna-middha)، بی‌آرامی و پشیمانی (uddhacca-kukkucca)، شکست و دودلی (vicikicchā) باشند، او می‌داند که این پنج مانع در او هستند. آنگاه که این پنج مانع در او نباشند می‌داند که این‌ها در او نیستند. بدین ترتیب با پیروزی بر آن‌ها، تلاش می‌کند تا در آینده دوباره در او پیدا نشوند (پاشایی ۱۳۵۷، ص ۱۹).

۹. بودی ستوه (bodhi-sattva) مرکب از دو بخش bodhi به معنای «خرد و آگاهی» و sattva به معنای «جوهر و وجود» و در مجموع به معنای «آنکه جوهرش خرد و آگاهی» است. یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات مکتب مهاییانه عبادت و پرستش بودی ستوه‌ها یا بوداهای آینده است. بودی ستوه‌ها موجوداتی اساطیری هستند که از جسم نورانی (sambhogakāya) بوداها بهره‌مند هستند و جایگاه آن‌ها در بهشت توشیتا (tuṣitā) قرار دارد. اینان پیامبرانی برای نجات بشر به زمین می‌فرستند و کسی که خواستار رسیدن به «نیروانه» است، باید راه این بودی ستوه‌ها را طی کند (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶). واژه bodhisattva به صورت <bwdysdf> bōdisadf در پهلوی اشکانی؛ و <bwt'sp> bōdāsf در پهلوی و <bwt(y)stβ> bōdisadf در سغدی و بودیسف در فارسی دری و بوداسف در عربی آمده است (sundermann, 1989). او کسی است که برای رسیدن به مقام بوداگی، یا بوداشدن می‌کوشد. همه سنت‌های بودایی مفهوم بوداسف را قبول دارند، اما سنت مهاییانه بیش از دیگران بر آن تاکید می‌کند و آن را بالاترین آرمان می‌داند و بر آنند که همه جانداران سرانجام بوداسف و به بیداری کامل نائل آیند. آرمان بوداسف که مقصود از آن رسیدن به مقام بوداگی برای خیر همه موجودات است، با آرمان سنت هینه‌یانه، یعنی مقام آرَهتی (arhat) یا آرَهت شدن که صرفاً برای رهایی خود از رنج می‌کوشد، در تقابل است (راسل هینلز، ۱۳۸۹، ص ۳۱۶).

کتاب‌نامه

تفضلی، احمد. ۱۳۷۸. *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش ژاله آموزگار. ج ۳، تهران: سخن.

- پاشایی، ع. ۱۳۵۷. *راه آیین (ذمه پده یا سخنان بودا)*. تهران، انجمن فلسفه ایران.
- پاشایی، ع. ۱۳۸۹. *بودا، چ دهم، تهران: نگاه معاصر*.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۶۶. «قطعه شعری به زبان ختنی»، فرهنگ، شماره یک، پاییز ۱۳۶۶، صص ۲۱۹-۲۳۰. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۷۱. «رنج جهانی در آئین بودا»، فرهنگ، شماره سیزده، زمستان ۱۳۷۱، صص ۲۱۷-۲۳۸. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۷۵. «گردونه‌های آئین بودا سرودی به زبان ختنی»، فرهنگ، شماره اول، سال نهم، بهار ۱۳۷۵، صص ۹۱-۱۰۴. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۳. *درآمدی بر زبان ختنی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۴. «تمثیل پیل و خانه تاریک و خرد همه آگاه در شعری به زبان ختنی». نامه پارسی، سال دهم، شماره یک، بهار ۱۳۸۴، صص ۳-۱۲.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۸. *اصل خلاء یا تهیگی بنابر آموزه بودا*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۹. «زندگی و مرگ در آئین بودا بنابر یک قطعه ختنی»، *فصلنامه پازند*، شماره بیست و بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۳-۱۱۸.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۹۲. «درآمدی بر آثار ادبی زبان ختنی»، *فصلنامه پازند*، شماره سی و دو سی و سه، سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۹۳. ادبیات ختنی. در: تاریخ جامع ایران، ج ۵. تهران، دائرة المعارف بزرگ اسلامی. هینلز، جان راسل. ۱۳۸۹. *ادیان زنده شرق*. ترجمه جمعی از مترجمان، قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

Bailey, H.W.1967, *Prolexis to the book of Zambasta*, Cambridge university press.

Bailey, H.W.1979, *Dictionary of khotan saka*, Cambridge (DKS): Cambridge university press.

Bhatlacharya, H.S. 1976. *Jain Moral Doctrine*. Bumbay : Jain Sāhitya Vikās maṇḍal.

Dresden, M.J. 1977, *Khotanese(Saka) Manuscripts: a Provisional Handlist*. ACIR 12, Varia 1976, Téhéran-Liége, pp.27-85.

Emmerick, R.E.1968, *The book of Zambasta (Z)*, A khotanese poem on Buddhism, London: oxford university press.

Emmerick, R.E.2008, *An introduction to khotanese*. Ed.M.Maggi, J.S.sheldon, and N.Sims-williams, Weisbaden.

Emmerick, R.E., 2009, *Khotanese and Tumshuqese*. The Iranian Languages, ed. Gernot Windfur. Pp.337-415. London and New York.

Nyanatiloka, 1988 (rep). *Buddhist Dictionary: Manual of Buddhist term and Doctrines*. Ed. Nyanaponika. Srilanka.

مطالعهٔ بایدها و نبایدهای آئین بودا در سرودی به زبان ختنی ۱۰۱

Maggi, M. 2008. Khotanese – literature. <http://www.iranica.com/articles/khotanese-literature>.

Monier-Williams, M. 1899. *Sanskrit –English Dictionary*, oxford: At the clarendon press.

Sundermann, W. 1989. <http://www.iranica.com/articles/bodhisattva-in-the-middle-iranian-languages>.

Sanghvi, Sukhlal, 1974. *Commentary on Tattvārthasūtra of Vācaka Umāsvāti*. trans. by K. K. Dixit. Ahmedabad, L. D. Institute of Indology.